

عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر نابرابری تورمی (۱۳۸۲-۱۳۷۴)^۱

حسین میرزائی*، ابوالفضل غیاثوند**

طرح مسأله: این مقاله به دنبال بررسی نابرابری تورمی ناشی از تفاوت متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در الگوی سبد مصرفی خانوار و تحلیل نادیده گرفتن اثرات این نابرابری بر نتایج سیاست‌های حمایتی دولت از خانوارها می‌باشد.

روش: در این مقاله از روش تحلیل واریانس نرخ‌های تورمی که هر خانوار در نقاط شهری ایران طی دوره ۱۳۷۴ الی ۱۳۸۲ (حدود ۱۲۰۰۰ خانوار در هر سال) تجربه نموده استفاده می‌شود و اثر عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی بر نابرابری تورمی این خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌ها و نتایج: عوامل اقتصادی و اجتماعی از جمله دهک‌های درآمدی، بعد خانوار، نوع شغل وضعیت شغلی سرپرست خانوار و... بر ایجاد نابرابری تورمی مؤثر است و برای تحلیل اثرات واقعی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت بر رفاه خانوارها، توجه به این نابرابری بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

کلید واژه‌ها: دهک‌های درآمدی، رفاه خانوار، شاخص قیمت مصرف‌کننده، شکاف تورمی، نابرابری تورمی

تاریخ پذیرش: ۱۵/۱۱/۸۵

تاریخ دریافت: ۲۹/۶/۸۵

۱. این مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی با عنوان "بررسی نابرابری تورمی و عوامل مؤثر بر آن در مناطق شهری ایران (۸۲-۱۳۵۳)" می‌باشد که در پژوهشکده آمار انجام شده و مستندات آن در سایت www.srtc.ac.ir موجود است.

* دکتر اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی <Mirzaie@srtc.ac.ir>

** دکتر اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری (CPI-U)^۱ به صورت معیاری از تغییرات متوسط قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای ساکن در مناطق شهری در طول یک زمان مشخص (مثلاً یک سال) تعریف شده است. در تهیه این شاخص از نگرش‌های اقتصادی همراه با تکنیک‌های نمونه‌گیری و سایر روش‌های آماری استفاده می‌گردد که در عمل نیازمند همکاری گروه‌های مختلفی از کارشناسان اقتصادی، آماری و متخصصان برنامه‌نویسی رایانه‌ای است. تحقیق حاضر به دنبال بررسی شاخص CPI تهیه شده توسط مرکز آمار ایران از جنبه انتخاب وزن‌های (سهم‌های نسبی) کالاها و خدمات و اثر آن بر ایجاد نابرابری تورمی برای گروه‌های مختلف اجتماعی و درآمدی است. تفاوت در درآمد (هزینه) خانوارها، تفاوت در الگوی مصرف خانوارها و در نهایت تفاوت در تغییر قیمت کالاها در دنیای واقعی همواره وجود دارد و این مسأله باعث به وجود آمدن نوعی شکاف در نرخ تورمی است که هر خانوار آن را تجربه می‌کند. تغییر در توزیع هزینه (درآمد) خانوارها، الگوی مصرف و قیمت نسبی کالاها خود از یک سو متأثر از متغیرهای متعدد اقتصاد کلان و سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و حمایتی است و از سوی دیگر، تحت تاثیر وضعیت اجتماعی و اقتصادی هر خانوار از جمله بُعد خانوار، شغل، جنس و سطح سواد سرپرست خانوار و غیره می‌باشد. هر یک از این خصوصیات به طریقی، توزیع درآمد، الگوی مصرف خانوارها و قیمت‌های نسبی را تحت تأثیر خود قرار داده و در نهایت بر نرخ تورمی که هر خانوار آن را تجربه می‌نماید مؤثر خواهد بود.

این مقاله به دنبال بررسی و اثبات وجود نابرابری تورمی ناشی از تفاوت بین ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارها و توجه به این نابرابری در سیاست‌گذاری‌های دولت می‌باشد.

1. Urban Consumer Price Index

۱) چارچوب نظری

۱-۱) مفاهیم و قلمرو شاخص CPI

شاخص قیمت مصرف‌کننده برآوردی از تغییرات قیمت سبد خاصی از کالاها و خدمات مصرفی مابین دو دوره زمانی است. درصد تغییر مابین CPIها برای دو دوره زمانی نشان‌دهنده روند تغییر قیمت‌ها (به صورت کلی) بین دو دوره است که در اصطلاح به آن نرخ تورم عمومی گفته می‌شود. شاخص CPI به دنبال تفسیر تغییر قیمت‌های نمونه‌ای از کالاها و خدمات است که در گروه‌های مختلف از مخارج خانوارها مانند گروه خوراک و پوشاک، اجاره بهای واحدهای مسکونی، خدمات پزشکی و ... طبقه‌بندی شده است که به صورت روزانه مورد مصرف (تقاضای) خانوار قرار می‌گیرد. تغییرات ماهانه در شاخص CPI از متوسط وزنی تغییرات قیمت اقلام موجود در سبد مصرفی خانوار به دست می‌آید. وزن‌های مورد استفاده در شاخص به صورت سهم آن اقلام از کل مخارج خانوارهای شهری در ناحیه مورد نظر تعریف می‌شود. برای محاسبه شاخص قیمت کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارها از فرمول لاسپیرز استفاده می‌شود.

$$I = \frac{\sum_{r=1}^{402} p_{nr} q_{or}}{\sum_{r=1}^{402} p_{or} q_{or}} \times 100$$

در رابطه فوق:

p_{nr} = قیمت کالای r ام در ماه جاری

p_{or} = قیمت کالای r ام در سال پایه (دوره پایه)

q_{or} = مقدار مصرف شده کالای r ام در سال پایه

$p_{or}q_{or}$ = ارزش مقدار مصرف شده کالای r ام در دوره پایه یا ضریب اهمیت کالا یا خدمت

$\sum p_{nr}q_{or}$ = مجموع ارزش کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارها به قیمت ماه جاری

$$\sum p_{or}q_{or} = \text{مجموع ارزش کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارها به قیمت سال پایه}$$

(دوره پایه)

۱-۲) تأثیر نادیده گرفتن نابرابری تورمی

عدم توجه به تفاوت نرخ تورم خانوارها یا گروه‌ها مختلف و تمرکز بر یک میانگین که تأثیر زیادی از الگوی مصرف خانوارهای ثروتمند می‌پذیرد، باعث می‌گردد که :

الف) اثر واقعی سیاست‌های اقتصادی دولت مشخص نگردد. به‌طور نمونه افزایش هزینه دولت جهت حمایت از اقشار فقیر جامعه اگر منجر به افزایش سطح قیمت‌ها گردد، آن گاه منافع واقعی این سیاست برای اقشار آسیب‌پذیر که با تورم بالاتری مواجه گردیده‌اند کاهش می‌یابد. بنابراین ارزیابی دقیق اثرات تورمی سیاست‌های اقتصادی دولت بر اقشار مختلف جامعه باید با در نظر گرفتن تفاوت در نرخ‌های تورم مربوط به اقشار مختلف ارزیابی گردد.

ب) در دوره‌هایی که نابرابری تورمی به زیان اقشار کم‌درآمد است، هزینه‌های زندگی اقشار ضعیف جامعه بیش‌تر از متوسط تورم در حال افزایش است. در این صورت افزایش حقوق و دستمزد مناسب با نرخ تورم رسمی، رفاه این خانوارها را کاهش می‌دهد. این در حالی است که بدون در نظر گرفتن این تفاوت، انتظار می‌رود که با تعدیل دستمزدها متناسب با تورم رسمی، رفاه جامعه تغییر نیابد. اما آنچه در واقعیت بابت این تعدیل اتفاق می‌افتد، کاهش رفاه اقشار ضعیف و افزایش رفاه اقشار ثروتمند است.

این موضوع را می‌توان برای گروه‌های مختلف جامعه نیز در نظر گرفت. به‌طور مثال تعدیل مستمری بازنشستگان متناسب با نرخ تورم رسمی بدون توجه به تورمی که این خانوارها با آن مواجه هستند (در صورت بالاتر بودن نرخ تورم این گروه از متوسط نرخ تورم)، منجر به کاهش سطح رفاه این خانوارها می‌گردد و در صورت تداوم این عمل برای سالیان متمادی، این روش به تضعیف شدید این گروه‌ها منجر می‌گردد. باید توجه نمود در صورتی که تورم گروه خاصی از جامعه پایین‌تر از نرخ تورم رسمی باشد، تعدیل دستمزدها یا

مستمری متناسب با نرخ تورم رسمی می‌تواند رفاه آنها را به تدریج افزایش دهد. پس می‌توان گفت که تعدیل دستمزدها متناسب با نرخ تورم رسمی برای اقشار مختلف جامعه اثرات رفاهی مختلف دارد و نمی‌توان گفت که این تعدیل سطح رفاه جامعه را حفظ می‌نماید.

ج) اگر بپذیریم که CPI مخصوص گروه‌های مختلف (به ویژه دهک‌های درآمدی) متفاوت است باید برای محاسبه درآمد واقعی این گروه‌ها، از شاخص ویژه هر گروه استفاده نمود. در این صورت توزیع درآمد واقعی نسبت به توزیع درآمد رسمی متفاوت خواهد بود. در شرایطی که خانوارهای فقیر با نرخ تورم بالاتری نسبت به خانوارهای ثروتمند مواجه هستند، توزیع درآمد حقیقی در شرایط نابرابرتری نسبت به توزیع درآمد رسمی قرار می‌گیرد، چرا که قدرت خرید یک واحد درآمد افراد فقیر به دلیل برخورداری از تورم بالاتر بیشتر از قدرت خرید یک واحد درآمد افراد ثروتمند، کاهش می‌یابد. در شرایطی که شکاف مثبت است توزیع درآمد واقعی، در شرایطی خاص بهتر از توزیع درآمد رسمی صورت می‌گیرد. لذا کاهش یا افزایش ضریب جینی درآمد رسمی در یک دوره زمانی، به تنهایی نمی‌تواند گواهی بر بهتر یا بدتر شدن توزیع درآمد باشد. تغییر این ضریب باید با توجه به نرخ‌های تورم دهک‌های مختلف تحلیل گردد. اگر کاهش ضریب جینی همراه با یک شکاف تورمی منفی باشد این بدان معنی است که اگرچه توزیع درآمد رسمی به نفع فقرا تغییر یافته ولی به دلیل بالاتر بودن نرخ تورم این گروه ممکن است قدرت خرید این قشر از جامعه متناسب با بهبود توزیع درآمد افزایش نیافته باشد و یا حتی ممکن است ثابت یا کاهش یافته باشد.

۲) روش

۲-۱) نوع پژوهش

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی برای اثبات فرضیه محوری که وجود نابرابری تورمی در بین خانوارها است، استفاده شده است. این تحقیق از جنبه محتوایی، جزء تحقیقات کاربردی می‌باشد که آمار و اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۲-۲) شرح داده‌ها

برای داده‌های شاخص قیمت از اطلاعات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مرکز آمار ایران استفاده شده است. داده‌های CPI مرکز آمار تنها برای دوره ۸۲-۱۳۷۴ موجود می‌باشد. جهت بررسی وزن‌های مورد استفاده در محاسبه CPI از آمار هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری طی همین دوره استفاده شده است. از آنجایی که محاسبه شاخص‌های مورد نظر در تحقیق نیازمند استفاده از داده‌های خام هزینه گروه‌های مختلف کالایی در سطح خانوار بوده، به دلایل مختلف از جمله حجم بالای نمونه‌گیری مرکز آمار ایران، دقت و صحت بالاتر اطلاعات و همچنین امکان دسترسی به داده‌های خام، در این تحقیق از داده‌های خام هزینه - درآمد خانوارهای مناطق شهری مرکز آمار استفاده شده است.

۲-۳) روش تحلیل

در این مقاله از روش تحلیل واریانس نرخ‌های تورمی که هر خانوار در نقاط شهری ایران طی دوره ۱۳۷۴ الی ۱۳۸۲ (حدود ۱۲۰۰۰ خانوار در هر سال) تجربه نموده استفاده می‌شود و اثر عوامل مختلف مورد برابری تورمی این خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی اثر هر عامل توسط آزمون فرضیه‌ای به صورت زیر انجام شده که در آن اثر تیماری هر عامل به صورت تحلیل تغییرات واریانس ناشی از آن عامل و عامل خطا مورد بررسی قرار گرفته است.

$$\begin{cases} H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_i = 0 \\ H_1: \exists \alpha_i \neq 0 \end{cases} \quad i = \text{تعداد تیمارها}$$

۳) یافته‌ها

محاسبه CPI و نرخ تورم برای گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی یکی از روش‌های نشان دادن تفاوت میان CPI خانوارهای مختلف است. با این فرض که افراد واقع در گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی الگوی مصرف مشابه و نزدیک به هم دارند و وزن هزینه‌ای گروه‌های کالایی برای آن‌ها مشابه است، می‌توان از این روش در جهت تفسیر

تفاوت تورم برای افراد جامعه بهره جست؛ لذا با محاسبه CPI و نرخ تورم برای گروه‌های مختلف می‌توان نرخ تورمی که به‌طور متوسط افراد داخل یک گروه با آن مواجه هستند را برآورد نمود. با توجه به اطلاعات طرح آمارگیری از هزینه - درآمد خانوارهای شهری، گروه‌های خاص اقتصادی و اجتماعی زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱) نرخ تورم بر حسب دهک‌های درآمدی

شاخص CPI به روش لاسپیروز با وزن‌های گروه‌های کالایی مربوط به هر دهک درآمدی، محاسبه شده و متناسب با آن نیز نرخ تورم برای سال‌های مختلف محاسبه شده است که نتیجه آن در جدول شماره ۱ آمده است. این جدول نتایج به دست آمده برای سال‌های ۸۲-۱۳۷۵ را نشان می‌دهد. همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد، طی دوره ۸۲-۱۳۷۵ نرخ تورم بین خانوارهای دهک‌های مختلف متفاوت می‌باشد؛ به بیان دیگر خانوارهایی با درآمدهای مختلف با نرخ‌های تورم مختلف مواجه بوده‌اند. نکته قابل توجه این‌که خانوارهایی که در دهک‌های بالاتر درآمدی قرار می‌گیرند، به طور نسبی از نرخ تورم پایین‌تری برخوردار می‌باشند. به‌طور نمونه در سال ۱۳۸۲ خانوارهای دهک اول و دوم به ترتیب با نرخ تورم ۲۵/۸ و ۲۶/۲ درصد مواجه بوده‌اند، ولی خانوارهای دهک دهم نرخ تورم ۲۰/۹ را تجربه نموده‌اند. به بیان دیگر نرخ تورم خانوارهای دهک اول و دوم بیش از ۱۰ درصد از نرخ تورم متوسط بالاتر می‌باشد و نرخ تورم دهک دهم بیش از ۱۰ درصد از نرخ تورم متوسط پایین‌تر می‌باشد. لذا بین نرخ تورم دهک اول و دوم با دهک دهم یک اختلاف ۲۱ درصدی وجود دارد و این تفاوت به ضرر خانوارهای ضعیف و آسیب‌پذیر می‌باشد. همان‌طوری که گفته شد، طی سال‌های ۸۲ - ۱۳۷۵ همواره تورم خانوارهای فقیر از تورم خانوارهای ثروتمند بیش‌تر بوده است. برای بررسی این موضوع که آیا اختلاف میان تورم دهک‌های مختلف به دلیل خطاهای نمونه‌گیری است یا واقعاً نرخ تورم برای دهک‌های مختلف متفاوت می‌باشد، از روش تحلیل واریانس استفاده شده است. نتایج این تحلیل نشان‌گر آن است که براساس آمار مرکز آمار ایران اختلاف معنی‌داری میان نرخ تورم

دهک‌های مختلف طی دوره مورد بررسی وجود دارد. مقایسه اعداد سطر اول (شاخص رسمی CPI) و شاخص CPI دهک‌های هشتم و نهم نشان می‌دهد که در اغلب سال‌ها شاخص رسمی بین شاخص CPI دهک هشتم و نهم قرار دارد. این موضوع با نتایج مطالعات انجام یافته در کشورهای دیگر، از جمله مطالعه کرافورد (Crawford, 1996:15) برای انگلستان که نشان می‌دهد تورم رسمی آن کشور به تورم صدک هشتم و دو نزدیک است و یا مطالعه‌ای که توسط نیوبری (Newbery, 1995:25) برای کشور مجارستان صورت گرفته و نشان می‌دهد که تورم رسمی به تورم دهک هشتم نزدیک‌تر است، مطابقت بالایی دارد. مطالعات دیگری هم توسط کوکوسکی (Kokoski, 2003:167) و هایژن و لاگاکاس (Habijan & Lagakas, 2003:19) برای ایالات متحده انجام شده که نشان از تفاوت زیاد بین نرخ تورم دهک‌های مختلف درآمدی است.

جدول ۱: مقایسه نرخ تورم خانوارهای شهری بر حسب دهک‌های هزینه طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۲

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
کل	۳۲.۸	۲۱.۹	۲۸.۰	۲۹.۶	۲۳.۵	۱۷.۳	۲۱.۳	۲۳.۳
دهک اول	۳۳.۳	۲۳.۴	۲۹.۴	۳۰.۱	۲۶.۱	۱۸.۴	۲۳.۰	۲۵.۸
دهک دوم	۳۳.۴	۲۳.۱	۲۹.۶	۳۰.۳	۲۵.۶	۱۸.۴	۲۳.۴	۲۶.۲
دهک سوم	۳۳.۱	۲۲.۷	۲۹.۲	۳۰.۰	۲۵.۳	۱۸.۱	۲۳.۰	۲۵.۷
دهک چهارم	۳۳.۰	۲۲.۶	۲۹.۰	۳۰.۰	۲۵.۱	۱۸.۰	۲۲.۹	۲۵.۴
دهک پنجم	۳۳.۰	۲۲.۴	۲۹.۰	۲۹.۹	۲۴.۷	۱۸.۰	۲۲.۸	۲۵.۴
دهک ششم	۳۲.۸	۲۲.۲	۲۸.۷	۲۹.۸	۲۴.۴	۱۷.۸	۲۲.۴	۲۴.۹
دهک هفتم	۳۲.۹	۲۲.۱	۲۸.۶	۲۹.۶	۲۴.۱	۱۷.۷	۲۲.۱	۲۴.۳
دهک هشتم	۳۲.۹	۲۱.۹	۲۸.۲	۲۹.۳	۲۳.۷	۱۷.۴	۲۱.۶	۲۳.۶
دهک نهم	۳۲.۹	۲۱.۷	۲۷.۹	۲۹.۳	۲۳.۱	۱۷.۱	۲۱.۰	۲۲.۸
دهک دهم	۳۲.۶	۲۱.۲	۲۶.۹	۲۹.۵	۲۱.۸	۱۶.۵	۱۹.۵	۲۰.۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۲) نرخ تورم بر حسب بُعد خانوار

بررسی نرخ تورم در بین خانوارهای با بعدهای مختلف نشان‌گر آن است که در برخی از سال‌ها اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین نرخ تورم خانوارها وجود دارد. به طور نمونه همان‌طوری که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌گردد، در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با افزایش بعد خانوار نرخ تورم خانوار نیز افزایش می‌یابد. ولی این روند در سال ۱۳۷۶ معکوس می‌باشد و در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ اختلاف چندانی بین نرخ تورم در بین خانوارها مشاهده نمی‌گردد. آنچه از بررسی نرخ تورم میان خانوارها با ابعاد مختلف مشاهده می‌شود این است که در میان خانوارها با ابعاد مختلف، نرخ تورم متفاوت بوده و تغییرات قیمت نسبی در برخی سال‌ها نرخ تورم را به نفع خانوارهای کم جمعیت و در برخی سال‌ها به ضرر آن‌ها رقم زده است. ماهیت عوامل ایجادکننده تورم و تغییر قیمت‌های نسبی دلیل این موضوع می‌باشد. لازم به ذکر است تحلیل واریانس، معنی‌دار بودن اختلاف میان نرخ تورم خانوارها با ابعاد مختلف را تأیید می‌نماید.

جدول ۲: مقایسه نرخ تورم خانوارهای شهری بر حسب بعد خانوار

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
کل	۳۲٫۸	۲۱٫۹	۲۸٫۰	۲۹٫۶	۲۳٫۵	۱۷٫۳	۲۱٫۳	۲۳٫۳
۱ نفر	۳۳٫۰	۲۳٫۶	۲۷٫۶	۲۹٫۳	۲۴٫۴	۱۷٫۰	۱۹٫۶	۲۰٫۴
۲ نفر	۳۲٫۶	۲۲٫۶	۲۸٫۲	۲۹٫۸	۲۳٫۹	۱۷٫۳	۲۰٫۷	۲۲٫۳
۳ نفر	۳۲٫۵	۲۲٫۲	۲۷٫۹	۲۹٫۸	۲۳٫۷	۱۷٫۴	۲۱٫۱	۲۲٫۹
۴ نفر	۳۲٫۷	۲۲٫۰	۲۷٫۷	۲۹٫۶	۲۳٫۴	۱۷٫۳	۲۱٫۰	۲۲٫۹
۵ نفر	۳۲٫۶	۲۱٫۸	۲۷٫۹	۲۹٫۶	۲۳٫۴	۱۷٫۳	۲۱٫۲	۲۳٫۱
۶ نفر	۳۲٫۸	۲۱٫۷	۲۸٫۱	۲۹٫۵	۲۳٫۴	۱۷٫۳	۲۱٫۶	۲۳٫۷
۷ نفر	۳۳٫۲	۲۱٫۶	۲۸٫۲	۲۹٫۴	۲۳٫۴	۱۷٫۲	۲۱٫۵	۲۳٫۷
۸ نفر	۳۳٫۶	۲۱٫۶	۲۸٫۶	۲۹٫۵	۲۳٫۲	۱۷٫۴	۲۲٫۰	۲۴٫۴
۹ نفر	۳۳٫۶	۲۱٫۶	۲۹٫۰	۲۹٫۷	۲۳٫۷	۱۷٫۶	۲۲٫۷	۲۵٫۵

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۳) نرخ تورم بر حسب تعداد افراد شاغل خانوار

نتیجه مشابهی مانند آنچه در گروه‌بندی خانوارها بر اساس بعد خانوار گرفته شد در گروه‌بندی خانوارها بر اساس تعداد افراد شاغل نیز مشاهده می‌شود. بررسی نرخ تورم خانوارها بر حسب تعداد افراد شاغل با استفاده از آمار مرکز آمار نشان‌گر آن است که در برخی از سال‌ها قیمت‌ها آسیب بیشتری به خانوارهای با افراد شاغل کم‌تر یا بدون فرد شاغل وارد نموده است. به‌طور نمونه در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹ و در برخی از سال‌ها افزایش قیمت‌ها آسیب کم‌تری به خانوارهای با تعداد فرد شاغل کم‌تر یا بدون فرد شاغل وارد نموده است. تحلیل واریانس معنی‌دار بودن اختلاف میان نرخ تورم خانوارهای با تعداد افراد شاغل متفاوت را تأیید می‌نماید.

جدول ۳: مقایسه نرخ تورم خانوارهای شهری بر حسب تعداد افراد شاغل خانوار

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
کل	۳۲٫۸	۲۱٫۹	۲۸٫۰	۲۹٫۶	۲۳٫۵	۱۷٫۳	۲۱٫۳	۲۳٫۳
بدون فرد شاغل	۳۲٫۷	۲۲٫۷	۲۷٫۹	۲۹٫۵	۲۴٫۳	۱۷٫۳	۲۰٫۷	۲۲٫۴
۱ نفر شاغل	۳۲٫۸	۲۱٫۸	۲۸٫۱	۲۹٫۶	۲۳٫۵	۱۷٫۴	۲۱٫۴	۲۳٫۵
۲ نفر شاغل	۳۲٫۹	۲۱٫۷	۲۷٫۹	۲۹٫۶	۲۳٫۲	۱۷٫۲	۲۱٫۲	۲۳٫۲
۳ نفر شاغل	۳۳٫۲	۲۱٫۷	۲۸٫۳	۲۹٫۶	۲۳٫۲	۱۷٫۳	۲۱٫۵	۲۳٫۷
۴ نفر شاغل	۳۳٫۹	۲۱٫۶	۲۸٫۹	۲۹٫۸	۲۲٫۴	۱۷٫۵	۲۲٫۱	۲۴٫۶
۵ نفر شاغل و بیش‌تر	۳۴٫۱	۲۱٫۰	۲۸٫۲	۲۹٫۳	۲۲٫۲	۱۷٫۲	۲۱٫۶	۲۳٫۹

۳-۴) نرخ تورم بر حسب گروه‌های عمده شغلی

بررسی نرخ تورم در بین گروه‌های عمده شغلی حاکی از آن است که گروه مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری از نرخ تورم نسبتاً پایینی نسبت به سایر گروه‌های شغلی برخوردار می‌باشند. جدول شماره ۴ این موضوع را نشان می‌دهد. البته تفاوت نرخ تورم در این گروه‌بندی چندان قابل ملاحظه نمی‌باشد. در بین گروه‌های عمده شغلی، گروه کشاورزان در تمامی این دوره ۸۲-۱۳۷۵ از نرخ تورم بالاتری نسبت به سایر گروه‌ها برخوردار بوده است.

به‌طور نمونه در سال ۱۳۸۲ نرخ تورم گروه مدیران ۹/۱ درصد کم‌تر از متوسط کل بوده و نرخ تورم کشاورزان ۶/۵ درصد بیش‌تر از متوسط کل بوده است. در همین سال نرخ تورم گروه کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی ۳/۹ درصد کم‌تر از متوسط کل خانوارها بوده است. در کنار آن کارکنان مشاغل تولیدی و حمل و نقل ۳/۶ درصد تورم بیش از متوسط کل را تجربه نموده‌اند.

همانند گروه‌های قبلی، این تفاوت نرخ در تمامی سال‌ها وجود دارد ولی در هر دوره با توجه به تغییرات نسبی قیمت‌ها، نرخ تورم برای گروه خاصی کم‌تر و برای گروه دیگر بیش‌تر از متوسط کل بوده است.

نتایج به‌دست آمده از تحلیل واریانس برای اختلاف بین نرخ تورم خانوارهایی که سرپرست آن‌ها در گروه‌های عمده شغلی فعالیت می‌نمایند نشان‌گر آن است که اختلاف معنی‌دار میان نرخ تورم این خانوارها وجود دارد و این تفاوت در نرخ‌های تورم تصادفی نیست.

جدول ۴: مقایسه نرخ تورم بر حسب گروه شغلی سرپرست خانوار

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
کل	۳۲.۸	۲۱.۹	۲۸.۰	۲۹.۶	۲۳.۵	۱۷.۳	۲۱.۳	۲۳.۳
علمی و فنی و تخصصی	۳۲.۶	۲۱.۸	۲۷.۳	۲۹.۶	۲۳.۱	۱۷.۱	۲۰.۶	۲۲.۴
مدیران و کارمندان عالی رتبه	۳۲.۳	۲۱.۳	۲۶.۵	۲۹.۲	۲۲.۳	۱۶.۵	۱۹.۷	۲۱.۲
کارکنان امور دفتری و اداری	۳۲.۶	۲۱.۸	۲۷.۸	۲۹.۴	۲۳.۵	۱۷.۳	۲۱.۲	۲۳.۱
کارکنان بازرگانی و فروشندگان	۳۲.۷	۲۱.۶	۲۸.۱	۲۹.۶	۲۳.۰	۱۷.۳	۲۱.۲	۲۳.۲
کارکنان امور خدماتی	۳۲.۹	۲۱.۹	۲۸.۳	۲۹.۷	۲۳.۵	۱۷.۴	۲۱.۸	۲۳.۸
کشاورزان، دامداران، ماهیگیران	۳۳.۶	۲۱.۵	۲۸.۹	۲۹.۸	۲۳.۳	۱۷.۵	۲۲.۴	۲۴.۸
کارگران تولیدی و حمل و نقل	۳۳.۱	۲۱.۸	۲۸.۴	۲۹.۶	۲۳.۶	۱۷.۵	۲۱.۹	۲۴.۱
طبقه بندی نشده	۳۳.۳	۲۱.۷	۲۸.۲	۲۹.۴	۲۳.۴	۱۷.۶	۲۱.۸	۲۴.۲
غیر شاغل	۳۲.۷	۲۲.۵	۲۷.۹	۲۹.۶	۲۴.۰	۱۷.۲	۲۰.۹	۲۲.۶

۳-۵) نرخ تورم بر حسب وضع شغلی

بررسی نرخ تورم بین خانوارها به تفکیک وضع شغلی نشان‌گر آن است که در برخی از سالها اختلاف قابل ملاحظه‌ای میان نرخ تورم خانوارهای گروه‌بندی شده بر اساس وضع شغلی سرپرست خانوار وجود دارد. به طور نمونه در سال ۱۳۸۲ کم‌ترین نرخ تورم مربوط به گروه کارکنان فامیلی بدون مزد بوده است، به طوری که نرخ تورم آن‌ها ۱۳/۶ درصد کمتر از متوسط کل نرخ تورم بوده است. در مرتبه بعد، گروه کارفرمایان با ۴/۴- درصد اختلاف قرار دارند. در همین سال مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی بیش‌ترین نرخ تورم را داشته‌اند (۲/۷ درصد اختلاف با متوسط کل) و کارکنان مستقل در مرتبه بعدی قرار داشته‌اند.

جدول ۵: مقایسه نرخ تورم خانوارهای شهری بر حسب وضع شغلی سرپرست خانوار

طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۵

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
کل	۳۲.۸	۲۱.۹	۲۸.۰	۲۹.۶	۲۳.۵	۱۷.۳	۲۱.۳	۲۳.۳
کارفرما	۳۲.۶	۲۱.۵	۲۷.۶	۲۹.۴	۲۲.۷	۱۷.۰	۲۰.۵	۲۲.۳
کارکن مستقل	۳۳.۰	۲۱.۷	۲۸.۳	۲۹.۷	۲۳.۳	۱۷.۴	۲۱.۶	۲۳.۸
مزد و حقوق بگیر عمومی	۳۲.۸	۲۱.۷	۲۷.۹	۲۹.۵	۲۳.۴	۱۷.۳	۲۱.۴	۲۳.۵
مزد و حقوق بگیر خصوصی	۳۳.۰	۲۲.۰	۲۸.۳	۲۹.۷	۲۳.۷	۱۷.۵	۲۱.۸	۲۴.۰
کارکن فامیلی بدون مزد	۴۲.۸	۲۳.۳	۲۷.۳	۲۶.۰	۲۳.۴	۱۶.۴	۱۸.۰	۲۰.۲
غیر شاغل	۳۲.۷	۲۲.۵	۲۷.۹	۲۹.۶	۲۴.۰	۱۷.۲	۲۰.۹	۲۲.۶

همان‌طوری که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌گردد، در برخی سالها اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین نرخ تورم خانوارها با وضع شغلی متفاوت، وجود ندارد ولی در برخی سالها اختلاف نرخ تورمها قابل ملاحظه است و مانند گروه‌های قبلی، این اختلاف در نرخ‌های تورم همواره به نفع یک گروه خاص نمی‌باشد و با تغییر قیمت‌های نسبی تفاوت

نرخ تورم به نفع یا به ضرر گروه‌ها تغییر می‌نماید. به‌طور نمونه خانوارهایی که وضع شغلی سرپرست آن‌ها کارکن فامیلی بدون مزد است طی دوره ۸۲-۱۳۷۷ از نرخ تورم پایین‌تری نسبت به سایر گروه‌ها برخوردار بوده ولی در سال‌های ۷۶-۱۳۷۵ این گروه نسبت به گروه‌های دیگر از نرخ تورم بالاتری برخوردار بوده است. البته این نکته قابل توجه است که به غیر از گروه کارکن فامیلی بدون مزد، نرخ تورم در بین گروه‌ها از اختلاف چندانی برخوردار نمی‌باشد.

۳-۶) نرخ تورم بر حسب بخش‌های عمده فعالیت سرپرست خانوار

جدول شماره ۶ نرخ تورم را میان خانوارهایی که سرپرست آن‌ها در بخش‌های عمده اقتصادی فعالیت می‌نمایند را در طی دوره ۸۲-۱۳۷۵ نشان می‌دهد. همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد، در برخی از سال‌ها از جمله سال ۱۳۸۲ اختلاف زیادی میان نرخ تورم خانوارها که سرپرست آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی شاغل می‌باشد، وجود دارد. خانوارهایی که سرپرست آن‌ها در بخش‌های کشاورزی، ساختمان و حمل و نقل فعالیت می‌نمایند به ترتیب با ۶/۵، ۳/۵ و ۳/۳ درصد اختلاف با متوسط کل، از نرخ تورم بالاتری نسبت به سایر خانوارها برخوردارند و خانوارهایی که سرپرست آن‌ها در فعالیت‌های هتل و رستوران، مستغلات اجاره و فعالیت‌های کار و کسب و استخراج معادن فعالیت دارند به ترتیب با ۶/۱، ۳/۸- و ۲/۹- درصد اختلاف با متوسط کل از پایین‌ترین نرخ‌های تورم برخوردار می‌باشند؛ به بیان دیگر اختلاف تورم بین خانوارهایی که سرپرست آن‌ها در فعالیت کشاورزی کار می‌کنند با خانواده‌ای که سرپرست آن‌ها در فعالیت‌های هتل و رستوران شاغل می‌باشند ۱۲/۶ درصد (نسبت به متوسط نرخ تورم) می‌باشد. البته همان‌طوری که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌گردد، در برخی از سال‌ها این اختلاف‌ها بسیار ناچیز است ولی در دیگر سال‌ها تغییرات نسبی قیمت‌ها به‌گونه‌ای بوده که اختلاف نرخ تورم بین گروه‌های فعال در بخش‌های مختلف قابل ملاحظه بوده است و همانند بخش‌های قبل، این اختلاف تورم بر حسب بخش فعالیت سرپرست خانوار همواره به نفع یا به ضرر گروه خاصی نمی‌باشد.

لازم به ذکر است گروه‌بندی‌های دیگر از جمله بر حسب جنس، سطح سواد، وضع زناشویی سرپرست خانوار صورت پذیرفته و نرخ تورم برای آن‌ها محاسبه گردیده است ولی به دلیل مشکلاتی که در استخراج وزن‌های این داده‌ها در سال ۱۳۷۴ وجود داشت نتایج به دست آمده از اعتبار پایینی برخوردار بوده لذا در این مقاله از آن‌ها استفاده نگردیده است.

جدول ۶: مقایسه نرخ تورم خانوارهای شهری بر حسب فعالیت اصلی سرپرست خانوار

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
کل	۳۲٫۸	۲۱٫۹	۲۸٫۰	۲۹٫۶	۲۳٫۵	۱۷٫۳	۲۱٫۳	۲۳٫۳
کشاورزی، دامپروری و شکار	۳۳٫۷	۲۱٫۵	۲۸٫۹	۲۹٫۸	۲۳٫۳	۱۷٫۵	۲۲٫۴	۲۴٫۹
ماهگیری	۳۴٫۰	۲۱٫۱	۲۹٫۲	۲۹٫۴	۲۳٫۶	۱۷٫۰	۲۱٫۹	۲۴٫۰
استخراج معادن	۳۲٫۵	۲۰٫۸	۲۷٫۸	۲۹٫۲	۲۲٫۲	۱۷٫۰	۲۰٫۷	۲۲٫۷
صنعت	۳۲٫۸	۲۱٫۹	۲۸٫۰	۲۹٫۵	۲۳٫۴	۱۷٫۳	۲۱٫۴	۲۳٫۳
برق، گاز و آب	۳۳٫۳	۲۱٫۷	۲۷٫۸	۲۹٫۳	۲۳٫۳	۱۷٫۲	۲۱٫۲	۲۳٫۲
ساختمان	۳۳٫۳	۲۱٫۸	۲۸٫۳	۲۹٫۷	۲۳٫۵	۱۷٫۴	۲۱٫۸	۲۴٫۱
عمده فروشی و خرده فروشی	۳۲٫۷	۲۱٫۶	۲۸٫۱	۲۹٫۷	۲۳٫۱	۱۷٫۳	۲۱٫۲	۲۳٫۳
هتل و رستوران	۳۲٫۸	۲۱٫۹	۲۷٫۵	۲۹٫۹	۲۲٫۶	۱۶٫۸	۲۰٫۴	۲۱٫۹
حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری	۳۲٫۸	۲۱٫۷	۲۸٫۲	۲۹٫۵	۲۳٫۹	۱۷٫۵	۲۲٫۰	۲۴٫۱
واسطه‌گری‌های مالی	۳۲٫۶	۲۲٫۰	۲۷٫۶	۲۹٫۴	۲۳٫۴	۱۷٫۳	۲۰٫۹	۲۲٫۸
مستغلات و فعالیت کسب و کار	۳۲٫۵	۲۱٫۶	۲۷٫۳	۲۹٫۷	۲۲٫۹	۱۷٫۱	۲۰٫۶	۲۲٫۴
امور عمومی، دفاع	۳۲٫۹	۲۱٫۸	۲۷٫۹	۲۹٫۶	۲۳٫۶	۱۷٫۴	۲۱٫۵	۲۳٫۷
آموزش	۳۲٫۸	۲۱٫۸	۲۸٫۱	۲۹٫۴	۲۳٫۵	۱۷٫۴	۲۱٫۵	۲۳٫۶
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۳۳٫۰	۲۱٫۸	۲۷٫۵	۲۹٫۴	۲۳٫۰	۱۷٫۱	۲۰٫۸	۲۲٫۷
خدمات عمومی	۳۲٫۲	۲۲٫۲	۲۷٫۸	۳۰٫۰	۲۳٫۵	۱۷٫۱	۲۰٫۸	۲۲٫۷
خانوارهای معمولی دارای مستخدم	۳۳٫۴	۲۲٫۵	۲۸٫۹	۲۹٫۳	۲۳٫۵	۱۷٫۵	۲۱٫۳	۲۳٫۲
سازمان‌های بیرون مرزی	۳۲٫۱	۲۳٫۰	۲۷٫۹	۲۹٫۲	۲۴٫۹	۱۷٫۹	۲۱٫۹	۲۳٫۴
دفاتر و ادارات مرکزی	۳۲٫۲	۲۱٫۹	۲۸٫۱	۳۰٫۶	۲۳٫۲	۱۷٫۴	۲۱٫۲	۲۳٫۶
غیر شاغل	۳۲٫۷	۲۲٫۵	۲۷٫۹	۲۹٫۶	۲۴٫۰	۱۷٫۲	۲۰٫۹	۲۲٫۶

۴) نتایج

هدف اصلی این مقاله بررسی تفاوت موجود در نرخ تورم بین خانوارها در کشور می‌باشد. همان‌طوری که بیان شد، شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که برای محاسبه تورم و تغییر هزینه زندگی خانوارها مورد استفاده قرار می‌گیرد. ساختار فرمول محاسبه CPI به گونه‌ای است که اهمیت بیش‌تری به سهم گروه‌های کالایی مورد مصرف خانوارهای ثروتمند نسبت به خانوارهای فقیر در محاسبه CPI می‌دهد، لذا در محاسبه CPI و به تبع آن محاسبه تورم الگوی مصرف، خانوارهای ثروتمند نقش تعیین‌کننده‌تری خواهد داشت. این موضوع باعث می‌گردد که CPI و نرخ تورمی که به طور رسمی در کشور منتشر می‌شود و بر اساس آن تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی اتخاذ می‌گردد عمدتاً نماینده نرخ تورمی باشد که خانوارهای ثروتمند با آن مواجه هستند و در این شرایط ممکن است خانوارهای فقیر با نرخ‌های تورم بالاتر از نرخ تورم رسمی باشند که در تصمیم‌گیری‌ها به آن توجه نمی‌گردد.

در این تحقیق نشان داده شد که تورم رسمی نزدیک به تورم خانوارهای ثروتمند است. بررسی نشان داد که سهم‌های استفاده شده در محاسبه CPI در ایران نزدیک به دهک هشتم می‌باشد، با توجه به این مطالب، CPI و نرخ تورم رسمی نمی‌تواند نماینده مناسبی برای CPI و نرخ تورمی باشد که خانوارها با آن مواجه‌اند.

استفاده از شاخص‌های آماری CPI و نرخ تورم خانوارها روشی است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت. از آنجایی که محاسبه و استفاده از نرخ تورم برای تک‌تک خانوارها به دلیل حجم زیاد داده‌ها مشکل بود، محاسبه CPI و نرخ تورم برای گروه‌های مختلف صورت گرفت که می‌تواند اطلاعات مفیدتری در اختیار تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران قرار دهد.

بررسی نرخ تورم در میان دهک‌های درآمدی نشان داد که در این دوره، سطح قیمت‌ها به گونه‌ای رشد نموده که خانوارهای فقیر بیش‌تر از خانوارهای ثروتمند زیان دیده‌اند. تحلیل نرخ تورم برحسب بعد خانوار نشان داد که در برخی از سال‌ها اختلاف معنی‌داری در نرخ تورم خانوارهای با بعد متفاوت وجود دارد. در برخی سال‌ها تغییرات قیمت نسبی به نفع خانوارهای کم جمعیت و در

برخی سال‌ها به ضرر آنها بوده است. به بیان دیگر در دوره مورد بررسی، نرخ تورم تابع مستقیم از بعد خانوار نیست اما اختلاف معنی‌داری میان نرخ تورم خانوارها با بعد متفاوت، وجود دارد.

نتایج مشابهی در خصوص نرخ تورم برای خانوارها بر حسب تعداد افراد شاغل بر حسب گروه‌های عمده شغلی یا وضع شغلی سرپرست خانوار و یا بخش‌های عمده فعالیت سرپرست خانوار، استنتاج گردیده است. به‌طور نمونه بررسی نرخ تورم میان خانوارها بر حسب گروه‌های عمده شغلی، نشان می‌دهد که خانوارهایی که سرپرست آنها در گروه مدیران و کارمندان عالی‌رتبه شاغل هستند از نرخ‌های پایین‌تر تورم نسبت به خانوارهای دیگر برخوردار می‌باشند. همچنین بررسی‌ها نشان داد که در سال ۱۳۸۲ خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش‌های کشاورزی، ساختمان و حمل‌ونقل فعالیت دارند از نرخ تورم بیش‌تری نسبت به دیگران برخوردار بوده‌اند.

اختلاف نرخ تورم میان خانوارها، با گروه‌بندی‌های متفاوت از طریق آزمون تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت و معنی‌دار بودن این اختلاف رد نشد. لذا با توجه به مطالب فوق می‌توان ادعا نمود فرضیه تحقیق که اختلاف معنی‌دار میان نرخ تورم گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی را مطرح می‌نماید رد نمی‌شود.

نظر به این که اختلاف میان تورم خانوارها در این تحقیق با توجه به فرضیه‌های مطرح شده در آن، مورد تأیید قرار گرفته است و با توجه به اهمیت شاخص CPI و نرخ تورم در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، تحلیل رفاه خانوارها، هزینه زندگی و در نهایت تعدیل متغیرهای اقتصادی از مقادیر جاری به ثابت از جمله دستمزد و حقوق، آگاهی از این که نرخ رسمی CPI تا چه اندازه نماینده مناسبی برای خانوارهای مختلف جامعه می‌باشد، بسیار حائز اهمیت است. لذا مناسب است در کنار انتشار آمار مربوط به CPI و نرخ تورم متوسط، CPI و نرخ تورم برحسب گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی مورد محاسبه قرار گرفته و منتشر گردد. همچنین در اجرای طرح آمارگیری از هزینه-درآمد خانوار شهری تعداد نمونه مورد نظر برای آمارگیری به‌گونه‌ای تنظیم گردد که آمار محاسبه شده بر حسب کدهای دو رقمی و بر حسب ویژگی‌های اجتماعی اعضای خانوار (به خصوص وضعیت شغلی و ... سرپرست خانوار) از کفایت آماری لازم برخوردار باشد.

- شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف.
- نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف.
- BLS. (1997), **Handbook of Methods**, Washington DC, U.S. Department of Labor.
- Crawford, Ian. (1996), **UK Household Cost - of - Living Indexes, 1979-92**, in J.Hills (ed), *New Inequalities*, Cambridge.
- Holoijn, Bart & Lagakas, David. (2003), **Inflation Inequality in the United States**, Federal Reserve Bank of New York, Staff Reports.
- Kokoski, M.F. (1987), **Consumer Price Indexes by Demographic Group**, BLS Working Paper, 167 (April).
- Newbery, David M. (1995), **The Distribution Impact of Price Changes in Hungary and the UK**, *Economic journal*, 105.

